



در گفت و گو با حجة الاسلام و المسلمین دکتر
محی الدین بهرام محمدیان تشریح شد

سوگند و قسم در قرآن

گفت و گو: نصرالله دادار

اشاره

سوگند چیست؟ چرا قرآن کریم در بعضی جاها سخن را با سوگند همراه می کند؟ تفاوت سوگندهای قرآن و سوگندهای متداول در میان مردم چیست؟ سوگند خداوند به یک پدیده، نشان از چه دارد؟ و کدام یک از آفریدگان خداوند متعال این امتیاز را داشته اند که خالق به آن ها سوگند یاد می کند؟

پای صحبت حجة الاسلام و المسلمین دکتر محی الدین بهرام محمدیان، قرآن پژوه و استاد حوزه و دانشگاه می نشینیم تا پاسخ این سؤالات و سؤالاتی دیگر از این دست را بیابیم.

سوگند چیست و چه کاربردی در کلام دارد؟

کلمه «قَسَم» در زبان عربی و کاربردهای قرآنی آن به معنای «سوگند» است. در زبان فارسی نیز، سوگند و قسم به یک معنا به کار می‌رود. اما در اصطلاح ادبی، قسم عبارت است از جمله‌ای که به وسیله‌ی جمله‌ی دیگری بر آن تأکید می‌شود.

علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» با استفاده از این تعریف فرموده‌اند: «قسم در کلام بالاترین مراتب تأکید را می‌رساند».

همچنان که برخی از مفسران گذشته نیز در تعریف قسم گفته‌اند: «قسم کلامی است که بر خبر تأکید می‌کند و آن را در جایگاه محقق قرار می‌دهد».

علامه طبرسی نیز شبیه این تعریف را از قسم ارائه کرده‌اند و می‌فرمایند: «قسم جمله‌ای از کلام است که به وسیله‌ی آن خبر تأکید می‌شود، به نحوی که آن خبر را در جایگاه صحت و بی‌هیچ شائبه‌ی نادرستی و خطا قرار می‌دهد».

البته واضح است که این تأکید به واسطه‌ی قسم به چیزی است که نزد متکلم اهمیت و اعتبار ویژه‌ای دارد. لذا برخی از محققان درباره‌ی قسم و موضوع آن گفته‌اند: «موضوع قسم، تحکیم مطالبی است که متکلم با آن چه نزد او دارای عظمت و جایگاه خاصی است، بر آن تأکید می‌کند».

*** خداوند نیز در قرآن، در برخی موارد به پدیده‌های متفاوت سوگند یاد کرده است. چه تفاوتی سوگندهای قرآن را از سایر سوگندها در ادبیات عرب متمایز می‌کند؟**

مقایسه‌ی سوگندهای قرآنی با آن چه پیش از نزول قرآن یا همزمان با آن در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است، می‌تواند عظمت، زیبایی و شگفتی و تازه بودن آن‌ها را نشان دهد. مهم‌ترین متون ادبی عرب جاهلی دیوان شاعران آن است. آن چه از سوگند در اشعار عرب جاهلی، اعم از قصاید، غزلیات و رجزها به چشم می‌خورد سوگند به آلات موسیقی، شمشیر، زن یا چشم و ابروی معشوقه است و یا خاکستر اجاق و پشگل شتران به جای مانده از کوچ قبیله‌ی اوست. اما سوگندهای قرآن ضمن تازه و بدیع بودن، موضوعات و مضامینی هم‌چون نفس انسان، خورشید و ماه، زمین و آسمان، روز و شب، لوح و قلم، خود پیامبر، قرآن و... را در بر دارد که

هر کدام از آن‌ها حکایت از والایی، اهمیت و عظمت موضوع سوگند دارد. قرآن این موضوع را درباره سوگند به قرآن یادآور شده است: «و انه لقسم لو تعلمون عظیم - و به راستی که اگر بدانید آن سوگندی بس عظیم است» (واقعه/۷۶).

واژه‌های سوگند در قرآن

*** در قرآن کریم چه واژه‌هایی در مقام سوگند به کار رفته است؟**

معروف‌ترین واژه‌ی سوگند در زبان عربی کلمه‌ی «قسم» و مشتقات آن است. علاوه بر آن، برای سوگند یاد کردن از حروف قسم بیشتر استفاده می‌شود. در

قرآن کریم نیز برای سوگند، بیشتر حروف سوگند به کار رفته است. هرچند از کلمات دیگری نیز که بر معنای سوگند دلالت دارند، استفاده شده است.

نمونه‌هایی از اشاره به سوگند در قرآن کریم عبارت‌اند از:

«فلا اقسَم بمواقع التَّجُوم. و انه لقسم لو تعلمون عظیم - پس نه [چنین است که می‌پندارید]، سوگند به جایگاه‌های ستارگان، و اگر بدانید آن سوگندی بس بزرگ است» (واقعه/۷۵ و ۷۶).

«و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة - و روزی که رستاخیز برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده‌اند» (روم/۵۵).

«لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان... - خداوند شما را به سوگندهای بیپوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند» (مائده/۸۹).

یادآور می‌شود که «ایمان» جمع کلمه‌ی «یمین» به معنای سوگند است. علاوه بر واژه‌های قسم و یمین، کلمات دیگری مانند «حلف» نیز به معنای قسم به کار رفته‌اند؛ هرچند که این نوع واژگان علاوه بر سوگند در معانی دیگری نیز کاربرد دارند.

همان‌طور که اشاره شد، حروف قسم بیشترین کاربرد را در سوگندهای قرآنی دارند. این حروف عبارت‌اند از: «واو قسم» و «تاء قسم» که مثال‌های آن‌ها از قرآن کریم از این قرارند:

۱. **واو قسم:** «والقرآن الحکیم»، «والشمس و ضحاها»،

مقایسه سوگندهای قرآنی با آن چه پیش از نزول قرآن یا همزمان با آن در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است، می‌تواند عظمت، زیبایی و شگفتی و تازه بودن آن‌ها را نشان دهد

«والقمر اذا تلاها»، «والفجر» و «والتین و الزیتون».

۲. تاء قسم: «قالوا تالله لقد آثرک الله علینا و ان کنا لخاصین» و «قالوا تالله انک لفی ضلالک القدیم».

* دلیل استفاده از سوگند در محاورات روزمره در متون ادبی و حقوقی چیست؟

در محاورات روزمره معمولاً سوگند برای تأکید بر خبر، اصرار، ابرام در درخواست یا رفع تردید از مخاطب بیان می‌شود. برای مثال، اگر کسی بخواهد بر خبری تأکید کند که حتماً آن چنان است که او می‌گوید، آن خبر را با قسم همراه می‌کند؛ مانند کسی که می‌گوید: «سوگند که سن من بیش از هشتاد است و از پا افتاده‌ام».

یا این که برای پافشاری بر درخواست خود به سوگند متوسل می‌شود. مانند کسی که می‌گوید: «تو را به جان عزیزانت! حاجت مرا اجابت کن» یا این که می‌گوید: «به جانم قسم، اگر هزار مرتبه نیز از درت برانی، جز به درگاه تو روی نکنم».

اما آنچه از سوگند برای رفع تردید به کار می‌رود، همانند سوگند اهل بازار است که در معاملات خویش برای جلب اعتماد مشتری یاد می‌کنند؛ مثل «به جان عزیزم، سود زیادی نمی‌کنم»، یا «به جان خودم اگر به فلان قیمت بفروشم، ضرر می‌کنم».

در محاکم حقوقی نیز در صورت فقدان شهود، گواه، دلیل یا بیته، مدعی و مدعی علیه (خواهان و خوانده) طبق شرایطی قسم یاد می‌کنند. هم چنان که در برخی از محاکم دیده می‌شود که از شاهد می‌خواهند قسم یاد کند که جز حقیقت نگوید.

نوع دیگری از سوگند نیز در بین ما معمول است و آن سوگندی است که به منزله شرط پذیرش مسئولیت یا مقام و ریاستی قرار داده شده است. مثلاً بین یزشکان، سربازان و افسران یا در آغاز به کار قضات، نمایندگان مجلس یا رؤسای جمهور، سوگند مخصوصی با تشریفات ویژه‌ای مطرح می‌شود که مفاد آن رعایت الزامات آن شغل یا مسئولیت است و به نوعی پیمان و پذیرش تعهد است.

نکته‌ی دیگر در سوگندهای معمول در عرف مردم، قسم یاد کردن به چیزهایی است که در نظر آن‌ها بسیار محترم یا عزیز است و در تمام آن‌ها خوف مؤاخذه یا صدمه در صورت

دروغ‌گویی وجود دارد. مثلاً کسی که به جان فرزند یا دوست عزیزش قسم می‌خورد، یا به کتاب آسمانی یا یکی از اولیای الهی سوگند یاد می‌کند، خوف این را دارد که اگر قسم دروغ بخورد، دوست و فرزندش صدمه ببیند یا از سوی اولیای الهی مورد مؤاخذه قرار گیرد. معلوم می‌شود که «مقسم به» (چیزی که به آن قسم می‌خورند) اگر محبوب و مورد احترام طرفین نیز نباشد، حداقل برای گوینده این چنین است.

سوگندهای قرآن و سوگندهای مردم

* تفاوت سوگندهای قرآنی با سوگندهای معمول در میان مردم چیست؟

در قرآن سوگندهایی دیده می‌شوند که با قسم معمول در میان مردم یا با سوگند شرعی متفاوت‌اند. مثلاً در قسم شرعی، سوگند خوردن به غیر اسم پروردگار بی اعتبار است. یا این که مردم به دلایلی که ذکر شد، به چیزهایی که برای آن‌ها بسیار محترم است یا از طرف آن‌ها خوف صدمه و مؤاخذه وجود دارد، قسم یاد می‌کنند، در حالی که هیچ‌یک از این قسم‌ها در مورد سوگندهای قرآنی معقول و معمول نیست.

زیرا خداوند، نه از کسی یا چیزی خوف و ترس دارد و نه فقدان موجودی او را به هراس و وحشت می‌اندازد. دیگر این که خداوند برای سخن خود محتاج سوگند نیست و سوگند خداوند برای کافر نیز سودی ندارد. هم چنین چیزهایی که به آن‌ها قسم یاد شده، در عظمت و بزرگی قابل مقایسه با خداوند متعال نیستند و یا همه‌ی آن‌ها عزیزتر و محبوب‌تر از دیگر مخلوقات خداوند نیستند.

در واقع، قسم از جانب مردم با ذکر چیزی صورت می‌گیرد که متکلم به جایگاه و عظمت و منزلت بالای آن اعتقاد دارد و آن را از حیث خبر یا انشا وسیله‌ی اطمینان خاطر شنونده نسبت به کلام خود، قرار می‌دهد.

هدف از سوگندهای قرآن

* هدف از سوگندهای قرآن چیست؟

در پاسخ به این سؤال، به نقل از مفسران قرآن نکاتی را یادآور می‌شوم:

شیخ الطائفه طوسی (ره) می‌نویسد: «خداوند متعال را رواست، به منظور توجه دادن به هر کدام از آفریده‌هایش

در قرآن سوگندهایی دیده می‌شوند که با قسم معمول در میان مردم یا با سوگند شرعی متفاوت‌اند. مثلاً در قسم شرعی، سوگند خوردن به غیر اسم پروردگار بی اعتبار است

دیدگاه اهل سنت

* مفسرین اهل سنت در باب سوگندهای قرآن

چه نظری دارند؟

آلوسی، صاحب تفسیر روح المعانی، از مفسران اهل سنت، در باب فایده‌ی سوگندهای قرآن می‌نویسد: «سوگند یاد کردن به چیزی، بزرگداشت آن چیز است».

فخر رازی مفسر مشهور اهل سنت: ایشان در این زمینه بیانی طولانی دارد که به اختصار و تلخیص آن را ذکر می‌کنم. او می‌نویسد: «چون خداوند پیامبر خود را برای هدایت و دعوت به دین حق فرستاد... به او حکمت، که دلایل قاطع و روشن است، عطا کرد و روش به کارگیری آن را نیز آموخت. سپس او را روش موعظه‌ی حسنه و مجادله‌ی احسن عنایت کرد. تا آن که مخالفان او در مبارزه‌ی با وی عاجز ماندند، ولی به او و کتابش ایمان نیاوردند و سخنانش را انکار کردند و

دست به بهانه‌های دیگر زدند. در این جا برای قانع نمودن دشمن و پذیرش آنان، راهی جز قسم یاد کردن نماند که خداوند بعد از دلایل روشن، سوگندهای گوناگون یاد کرد و به همین جهت سوگندها در آغاز نزول قرآن بیشتر به چشم می‌خورند».

البته آن چه فخر رازی در توجیه سوگندهای

قرآن ذکر کرده است می‌تواند همان محل اشکال **جلال الدین سیوطی** باشد. او در «الاتقان» می‌نویسد: «پرسیده‌اند، سوگند از خدای تعالی چه معنی دارد؟ زیرا اگر به جهت مؤمن سوگند می‌خورد، مؤمن به محض خبر دادن تصدیق می‌کند و نیازی به قسم ندارد و اگر برای کافر قسم می‌خورد که فایده‌ای به حال او ندارد».

با طرح این اشکال، توجیه جناب فخر رازی دچار تزلزل است و باید پاسخ اشکال را از چرایی ذکر سوگند در قرآن به دست آورد.

سید قطب: وی در تفسیر خویش فایده‌ی سوگندهای قرآن را در توجه دادن مردم به عظمت و ارزش چیزهایی می‌داند که به آن‌ها قسم یاد شده است.

شیخ محمد عبده: کلام او نکته‌ی تازه‌ای دارد. او معتقد است: اگر در چیزهایی که مورد سوگند قرآن قرار گرفته‌اند، دقت شود، این نکته معلوم می‌شود که خداوند به چیزهایی سوگند یاد کرده است که مردم از فایده‌ی آن‌ها بی‌خبر بودند

که در آن موردی برای عبرت‌آموزی است، قسم یاد کند. زیرا سوگند، بر عظمت چیزی که به آن قسم یاد می‌کند دلالت دارد».

علامه طبرسی، مفسر بزرگ شیعی نیز می‌نویسد: «به‌راستی برای خداوند سبحان است که به هر کدام از آفریده‌هایش قسم یاد کند تا به عظمت جایگاه و فراوانی سودمندی‌اش توجه دهد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، علامه طبرسی و شیخ طوسی بر این اعتقادند که سوگندهای قرآن:

اولاً به قصد تنبّه و هشدار به مخاطب است.

ثانیاً نشان‌دهنده ارزش و جایگاه آن چیزی است که به آن قسم یاد شده است.

ثالثاً در موضوع قسم، عبرت و پند سودمندی برای مخاطب وجود دارد.

رابعاً این نوع قسم یاد کردن روا و شایسته‌ی خداوند متعال است.

اما صاحب «مجمع‌البیان» اشاره‌ی لطیفی به این نکته دارد که هم‌همی این قسم‌ها به صورت ضمنی بر توحید خداوند متعال دلالت دارند. زیرا همه‌ی این آفریده‌ها و مصنوعات بدون هیچ نسخه‌ی پیشینی خلق شده‌اند.

اما از مفسران متأخر شیعی، مرحوم **علامه طباطبایی** (رحمت‌الله علیه) در این باره می‌فرماید: «و خداوند تعالی در کلام خود به بیشتر آفریده‌هایش سوگند یاد کرده است، زیرا آن‌ها رحمت و نعمت خداوند هستند؛ مانند آسمان، زمین، خورشید، ماه، شب، روز و غیر این‌ها، حتی انجیر و زیتون». این بیان، ناظر بر اهمیت موضوع قسم یا همان «مقسم به» است. یعنی خداوند متعال به نشانه‌های رحمت و نعمت خود قسم یاد کرده است تا مخاطبان وحی از نشانه‌ی رحمت و نعمت، به خداوند رحمان، منعم و رحیم هدایت شوند.

مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه: از علمای شیعی معاصر لبنان، در «تفسیر الکشاف» سخنی شبیه کلام علامه طبرسی دارد. او می‌نویسد: «آن چه ما در می‌یابیم آن است که خداوند به چیزهایی که قسم یاد می‌کند، برای هدف و غرض واحدی است و هر چیزی که در عالم هستی است، ذاتاً دلالت می‌کند بر این که خداوند متعال یکتاست و شریکی ندارد».

علامه طبرسی، مفسر بزرگ شیعی نیز می‌نویسد: «به‌راستی برای خداوند سبحان است که به هر کدام از آفریده‌هایش قسم یاد کند تا به عظمت جایگاه و فراوانی سودمندی‌اش توجه دهد»

محل عبرت است. اگر صدای نفس‌های اسب مجاهد ارزشمند باشد، صدای ضریان قلب او چه ارزشی دارد؟ اگر گرد و غبار سم اسبان شرافت دارد، گام‌های نستوه مبارزان راه خدا تا چه اندازه شریف است؟

۵. و سخن آخر آن که سوگندهای قرآنی همه و همه نشانه‌های قدرت نامتناهی خداوند متعال اند و حاکمیت او از کوچک‌ترین پدیده‌ی زمینی مانند گردوغبار تا بزرگ‌ترین آفریده‌ی آسمانی مانند کیهان و آسمان گسترده است و از گیاه و نبات گرفته تا انسان و فرشته، از پهنه‌ی دنیا و ماده گرفته تا پهنای قیامت و روح، همه به قدرت اوست. روشن است هر قسم و سوگندی که در قرآن یاد شده، به خداوند متعال برمی‌گردد. به عبارت دیگر، قسم‌ها یا به ذات الهی است، مانند «قل ای و ربی» و «قل بلی و ربی» یا متعلق به فعل خداوند متعال است، مانند «والسما» و ما بنیها»، «والارض و ما طحها» و یا به مفعول حق تعالی تعلق گرفته است، مانند «والنجم اذا هوی... و الطور». این همان چیزی است که برخی از مفسران تیزبین یادآوری کرده‌اند که قسم‌های قرآنی بر توحید باری تعالی دلالت دارد.

*** در صحبت‌های خود به تنوع دامنه‌ی سوگندهای الهی در قرآن اشاره کردید. لطفاً نمونه‌هایی از این سوگندها را بیان فرمایید.**

در قرآن کریم، علاوه بر ذات باری تعالی به اشیا، اشخاص، زمان‌ها، مکان‌ها و بالأخره موجودات متنوعی سوگند یاد شده است. **طنطاوی**، در تفسیر خود یادآور می‌شود که خداوند به چهل گونه از آفریده‌های خود، که نیمی از آن‌ها موجودات آسمانی و از عالم بالا هستند و نیم‌دیگر موجودات زمینی و از عالم پایین، قسم یاد کرده است. مهم‌ترین سوگندهای قرآن کریم، سوگند به خداوند متعال است. از دیگر سوگندهای قرآن، سوگند به پیامبر اکرم (ص)، سوگند به فرشتگان، سوگند به قرآن، سوگند به انسان (نفس، وجدان، پدر و فرزند)، سوگند به قلم و نوشته، سوگند به کتاب، سوگند به آسمان، سوگند به اجرام آسمانی، سوگند به زمین و سوگند به زمان می‌باشد.

البته علاوه بر آن‌چه تا به حال ذکر کردیم، سوگندهای دیگری هم وجود دارند که توضیح و تفصیل آن‌ها مجال فراخی می‌خواهد. سوگند به قیامت، اسبان مجاهدان، ابر، شهر مکه، طور سینین، دریا، کشتی، انجیر، زیتون، شفع، وتر و نهایتاً سوگند به کل هستی، از جمله‌ی آن‌هاست.

یا این‌که مورد تحقیر آنان بوده است و یا بعضی از مردم آن‌ها را انکار می‌کردند. خداوند متعال با قسم به این چیزها، مردم را از شک و تردید درباره‌ی آن‌ها خارج ساخت و نسبت به آن‌ها غفلت‌زدایی کرد. هم‌چنان که نسبت به افکار آن‌ها موضع گرفت. مثلاً قرآن با سوگند به قیامت آن‌ها را متوجه کرد که قیامت حتماً واقع خواهد شد و صاحب اختیار آن روز، خداوند متعال است.

*** جمع‌بندی شما از نظریات بزرگان و علمای اسلام در مورد سوگندهای قرآنی چیست؟**

با تأمل در گفتار بزرگان تفسیر، به‌ویژه آیات سوگند قرآن، می‌توان به نکات زیر پی برد:

۱. قرآن به هر چه قسم یاد کرده، خواسته است مخاطبان نسبت به آن پدیده‌ها و آفریده‌ها یا زمان‌ها و مکان‌ها یا اشخاص مورد قسم، به دیده‌ی عبرت بنگرند و از کنار آن‌ها ساده اندیشانه نگذرند.

۲. اگر در آن‌چه قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به دقت تأمل کنیم، متوجه آثار، برکات، منافع و فواید موجود در آن‌ها می‌شویم؛ مانند خورشید، ماه، ستارگان، شب، روز و حتی انجیر و زیتون.

۳. برخی از پدیده‌ها، همانند ملائک، روح، وجدان انسانی و روز قیامت، برای ذهن بشر به درستی قابل تصور نیستند و گاه با اوهام آمیخته شده‌اند. قسم‌های قرآنی به این نوع پدیده‌ها، ضمن تأکید بر واقعی بودن آن‌ها، با توصیف خود، از ساحت آن‌ها خرافه‌زدایی می‌کند.

۴. برخی از پدیده‌هایی که قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به تنهایی چیز متعالی و با ارزشی به نظر نمی‌رسند، ولی در پیوست با یک امر مطلوب و مورد سفارش الهی، ارزش و مکانیت خاصی پیدا می‌کند تا آن جایی که خداوند به آن‌ها قسم یاد می‌کند. برای مثال، آح آح سینه‌ی اسبان یا جرقه‌های برخاسته از سم اسبان، یا گردوخاک بلند شده از یورش سواران، به تنهایی چیزهایی نیستند که ارزش خاصی داشته باشند و شاید روزانه در هزاران نقطه از زمین هر کدام از آن‌ها بارها اتفاق بیفتند. اما آن‌چه اینان را با ارزش می‌کند، وجود عنصر جهاد و ایثار مجاهد فی سبیل الله است که بر پشت آن اسبان برای گسترش اندیشه‌ی توحیدی به مصادف شرک و کفر می‌رود و اگر تأمل و اندیشه شود، خود

برخی از پدیده‌هایی که قرآن به آن‌ها سوگند یاد کرده است، به تنهایی چیز متعالی و با ارزشی به نظر نمی‌رسند، ولی در پیوست با یک امر مطلوب و مورد سفارش الهی، ارزش و مکانیت خاصی پیدا می‌کند تا آن جایی که خداوند به آن‌ها قسم یاد می‌کند